



دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

بررسی تطبیقی ضرب المثل‌های فارسی و عربی

(بر اساس امثال و حکم دهخدا از حرف ک تا پایان مزن)

به وسیله‌ی:  
رویا زلفی قاسمی

استاد راهنما:  
دکتر زهرا ریاحی زمین

شهریور ۱۳۸۸



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدا

بررسی تطبیقی ضرب المثل های فارسی و عربی  
(بر اساس امثال و حکم دهخدا از حرف ک تا پایان مزن)

به وسیله‌ی:

رویا زلفی قاسمی

پایان نامه

ارائه شده به تحصیلات تکمیلی دانشگاه به عنوان بخشی  
از فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته‌ی:

زبان و ادبیات فارسی

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی شده توسط کمیته پایان نامه با درجه

دکتر زهرا ریاحی زمین، دانشیار بخش زبان و ادبیات فارسی (رئیس کمیته).....

دکتر سید فضل الله میرقادری، دانشیار بخش زبان و ادبیات عربی.....

دکتر اکبر صیاد کوه، استاد یار بخش زبان و ادبیات فارسی.....

شهریور ۱۳۸۸

به نام خدا

## اظہارنامہ

اینجانب رؤیا زلفی قاسمی دانشجوی رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی اظہار می‌کنم که این پایان‌نامه حاصل پژوهش خودم بوده و در جاهایی که از منابع دیگران استفاده کرده‌ام، نشانی دقیق و مشخصات کامل آن را نوشته‌ام. همچنین اظہار می‌کنم که تحقیق و موضوع پایان‌نامه ام تکراری نیست و تعهد می‌نمایم که بدون مجوز دانشگاه دستاوردهای آن را منتشر ننموده و یا در اختیار غیر قرار ندهم. کلیه حقوق این اثر مطابق با آیین‌نامه مالکیت فکری و معنوی متعلق به دانشگاه شیراز است.

نام و نام خانوادگی: رؤیا زلفی قاسمی

تاریخ و امضا:  
۱۳۸۶/۶/۱۱

## سپاسگزاری

حضور سبز دست هایتان کافی بود برای یافتن معنی صریح توانستن. کاش می دانستم مرزهای سپاس کجاست تا از آن فراتر روم و آن چنان که باید، در مقام سپاسگزاری از شما برآیم، اما چه کنم که در سپاس من مانده ام ومضایقه ی واژه ها.

برخود می بالم که از محضر استادانی بهره مند گشتم که آموزه های اخلاقیشان در کنار دانش بیکرانیشان چون چراغی فرا راه زندگیم بود.

از استاد گرانقدرم سرکار خانم دکتر زهرا ریاحی زمین که از رهنمود های ایشان در به سامان رسیدن این رساله بسیار استفاده نمودم، سپاسگزارم.

تشکر و قدردانیم نثار استاد ارجمندم جناب آقای دکتر سید فضل الله میر قادری که با دقت نظر ویژه ای در بخش های عربی یاریم نموده اند.

آموزه های ارزشمند استاد بزرگوارم جناب آقای دکتر اکبر صیاد کوه نیز مایه ی بسی تشکر و سپاسگزاری است.

فروتنانه بر آستان سخاوتمندان سر می نهم و از خداوند مهربان آرزوی سلامتی وتوفیق روز افزونشان را دارم.

چکیده:

بررسی تطبیقی ضرب المثل های فارسی و عربی  
(بر اساس امثال و حکم دهخدا از حرف ک تا پایان مزن)

به وسیله ی  
رویای زلفی قاسمی

سخن در جان آدمیان تأثیر خاصی دارد. گاه پژواک یک سخن پرده های زمان و مکان را در می نوردد و تا همیشه در تار و پود جان آنان طنین انداز گشته، جاودان می گردد. در این میان مثل ها همچون آینه ای تمام نمای، ذوق، اندیشه و آداب و رسوم یک جامعه را منعکس می سازد. امثال به عنوان قدیمی ترین شعبه ی ادبیات و حکمت توده مردم مفاهیم اخلاقی، فرهنگی و آموزشی بسیاری را در خود دارد. هر گاه این عبارات سرشار از نکته های نغز را که چون مروارید های درخشان است، آویزه ی گوش هوش خود سازیم، ضمن آن که آن ها را چاشنی سخن خود نموده ایم، خرد و اندیشه مان را نیز در شناسایی آب از سراب و خطا از صواب یاری نموده ایم. امثال به عنوان حکمت و آموزه هایی واقع بینانه بخش مهمی از ادبیات کلاسیک و فولکلور هر ملت را به خود اختصاص می دهد و اهمیت آن وقتی بیشتر می شود که بخواهیم آن را با ادبیات ملت دیگری تطبیق داده، شباهت و تفاوت میان آن را بیابیم. در واقع امثال نمونه ای از تبادل آرا و افکار و پیشینه ی فرهنگی- ادبی ملت هاست؛ بنابراین پرداختن به امثال و جستجو در مورد ریشه های آن و نظایرش تحقیقی ضروری و بایسته است که در این رساله به انجام آن پرداخته شده است. حاصل آن چه در این رساله مورد بحث و کاوش قرار گرفته به شرح زیر است:

- فصل اول، مقدمه و کلیاتی را در تعریف اصطلاحات و تقسیمات مثل، مروری بر تحقیقات گذشته، روش تحقیق و ضرورت آن شامل می شود. همچنین به بررسی کهن ترین مجموعه های مثل فارسی و عربی و تاریخچه و بررسی امثال در این دوزبان نیز پرداخته شده است.

- فصل دوم، تأثیر و تأثر زبان و فرهنگ فارسی و عربی در امثال بیان می شود.

- فصل سوم که بخش اصلی رساله را به خود اختصاص می دهد، بررسی تطبیقی مثل های فارسی و عربی به همراه ذکر ریشه، کاربرد و نظایر هر مثل است.

- فصل چهارم به نتایج تحقیق اختصاص دارد.

در بخش ضمیمه، دسته بندی موضوعی امثال فارسی و فهرست الفبایی امثال فارسی و عربی مشاهده می شود.

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

### فصل اول : کلیات

۲	۱- کلیات .....
۲	۱-۱- مقدمه .....
۳	۱-۲- مثل .....
۵	۱-۳- ضرب المثل .....
۵	۱-۴- تمثيل .....
۶	۱-۵- ارسال المثل .....
۷	۱-۶- ارسال المثليين .....
۷	۱-۷- کنایه .....
۸	۱-۸- حکمت .....
۸	۱-۹- تقسيمات مثل .....
۹	۱-۱۰- داستان مثل .....
۱۰	۱-۱۱- نگاهی بر تحقیقات گذشته .....
۱۰	۱-۱۱-۱- کهن ترین مجموعه های مثل فارسی .....
۱۳	۱-۱۱-۲- کهن ترین مجموعه های مثل عربی .....
۱۴	۱-۱۱-۳- تاریخچه بررسی و گردآوری امثال .....
۱۸	۱-۱۳- روش تحقیق .....
۱۸	۱-۱۴- اهمیت و ضرورت تحقیق .....

### فصل دوم: تأثیر و تأثر زبان و فرهنگ فارسی و عربی

۲۱	۲- تأثیر و تأثر زبان و فرهنگ فارسی و عربی .....
۲۱	۲-۱- نفوذ اندرزهای ایرانیان به فرهنگ عربی .....
۲۳	۲-۲- ادب فارسی و زبان عربی .....
۲۴	۲-۳- آیین دبیری و تقلید اعراب از ایرانیان .....



- ۲-۴- آیین حکومت داری و تأثیرپذیری اعراب از ایرانیان ..... ۲۵
- ۲-۵- پیوندهای سیاسی، اجتماعی، نظامی و ..... ۲۶
- ۲-۶- عناصر تأثیرگذار فرهنگ ایرانی بر عرب ..... ۲۷
- ۲-۷- ورود واژگان عربی در ادب فارسی ..... ۲۹

### فصل سوم: تطبیق ضرب المثل های فارسی و عربی

- حرف ک ..... ۳۲
- حرف گ ..... ۲۱۹
- حرف ل ..... ۳۳۳
- حرف م ..... ۳۵۰

### فصل چهارم : نتیجه گیری

- نتیجه گیری ..... ۴۲۰

### ضمائم

- فهرست موضوعی امثال فارسی ..... ۴۲۵
- فهرست الفبایی امثال فارسی ..... ۴۳۶
- فهرست الفبایی امثال عربی ..... ۴۸۵
- فهرست منابع و مآخذ ..... ۵۰۵

# فصل اول: کلیات

## ۱- کلیات

### ۱-۱- مقدمه

مثل ها به عنوان بخش مهمی از ادبیات هر زبان در عین ایجاز و اختصار، معانی گسترده و نغزی با خود دارد که سینه به سینه و نسل به نسل منتقل می گردند. آن ها بر یک معنی و بر یک حقیقت دلالت دارند؛ حقیقتی که عقل و فکر بشری صحت آن را درک و تصدیق می نماید ولی هر قوم و ملتی آن را با عبارتی مخصوص به خود ادا می کند.

امثال صدای انعکاس تجربه هاست، خلاصه‌ی آرا و افکار گذشتگان ماست، نمونه عالی فکر و قریحه‌ی ادبی یک ملت است که خود را در قالب عباراتی شیرین و دلکش نمایان ساخته، ما را مکلف به حفظ و نگاهداری خود می نماید.

شیوایی و روانی کلام آن گاه که با مثل و حکمت همراه گردد، تأثیری شگرف بر شنونده می‌گذارد و او را بسیار زودتر از آن چه تصور شود به ساحل مقصود می‌رساند. گاه سخنوران در اثنای سخن به منظور بلیغ تر کردن آن، کلام را آن چنان غرق در آرایش های لفظی و معنوی می‌سازند که از معنای واقعی و مقصود آن دور می‌مانند؛ غافل از آن که می‌توانستند در برخی از موارد سخن بلند خویش را به زیور کوتاه سخنی چون مثل بیارایند و همگان را متوجه مقصود خود سازند.

با وجود این که امثال، فهم بسیاری از مطالب پیچیده را آسان می‌سازد اما گاه فهم درست یک مثل کوتاه، خود نیازمند دقت و نکته‌سنجی بسیار است. گویی امثال بار سهل و ممتنع بودن را بر دوش خود می‌کشند.

جستجو و تحقیق در یافتن پیشینه‌ی امثال و بیان تاریخ و علت پیدایش هر مثل و نخستین گویندگان آن، خود می‌تواند تغییر و تبدلاتی را که قرن به قرن در عادات و اخلاق و عقاید و کیفیت زندگی اجتماعی آن ملت روی داده، طرز حکومت، سیاست، ترقی و تنزل آن قوم و بسیاری از مسائل فرهنگی و اجتماعی دیگر را نشان دهد.

در این زمینه تلاش های فراوانی صورت گرفته و آثار ارزشمندی به وجود آمده است. در پایان نامه‌ی حاضر سعی شده به بررسی گونه‌های مختلف مثل و شناخت تفاوت های آن، پیشینه‌ی امثال، تطبیق و معادل‌یابی امثال - در حد کتاب های موجود - پرداخته شود که البته اندکی از بسیار و مشت‌ی از خروار است.

## ۱-۲- تعریف مثل

«مثل کلمه‌ای است عربی و مشتق از «مثل، یمثل، مثولاً» به معنی شباهت داشتن چیزی به چیز دیگر و یا آن که مشتق از «مثل، یمثل، مثولاً» به معنی «راست ایستادن» و به «پا خاستن» است. اما در اصطلاح ادب، بر یک نوع از سخن اطلاق می‌شود که آن را به فارسی

«داستان» می گویند. داستان در فارسی به معنی حکایت و افسانه نیز آمده است و به این دلیل آن را داستان گویند». (بهمنیار، ۱۳۷۹، ید)

و اما آن چه در نزد اهل ادب به «مثل» تعبیری کنند، عبارت از تشبیه امری به امری یا چیزی به چیزی است تا از آن فایده‌ی معنوی حاصل کنند. (حکمت، ۱۳۳۳، ۱)

ابن سگیت نیز مثل را از ماده‌ی مثل به معنی شباهت گرفته و بدین گونه تعریف می‌کند:

«مثل جمله‌ای است که با ممثل خود در لفظ مخالف و در معنی موافق باشد. مثلاً این جمله «فلانی سوراخ دعا را گم کرد». با این جمله «فلانی راه کار را به غلط فهمیده» افاده‌ی یک معنی می‌کند و لکن عبارت آن دو مختلف است». (بهمنیار، ۱۳۷۹، ید)

از نظر ابراهیم نظام مثل چهار ویژگی دارد که در سایر انواع کلام با هم یافت نمی‌شود و آن چهار عبارت است از اختصار لفظ، وضوح معنی، حسن تشبیه، لطافت کنایه و این عالی‌ترین درجه‌ی بلاغت سخن است که بالاتر از آن ممکن و متصور نیست. (همان، ۱۳۷۹، ۱۰)

ادبای مغرب نیز در تعاریفات خود اختصار لفظ، وضوح معنی و حسن ترکیب را در امثال شرط می‌دانند زیرا تا این ویژگی‌ها در عبارتی جمع نشود مقبول عامه نگردیده و صورت مثل به خود نمی‌گیرد. (همان، ۱۳۷۹، ۱۰)

علامه دهخدا در تعریف مثل بر این باور است که مثل تعبیری سایر یا سایر گونه است که حالت معقولی را برای روشن کردن به محسوسی تشبیه کند. همچنین مثل عبارتی کوتاه و نسبتاً فصیح است که برای روشن کردن امر معقولی به کار می‌رود. (عفی‌فی، ۱۳۸۰، ۵)

از مجموع تعاریفی که ذکر شد خلاصه و جوهر معنی اصطلاحی مثل را در کلام استاد بهمنیار می‌توان یافت: «مثل جمله‌ای است مختصر، مشتمل بر تشبیه یا مضمون حکیمانه که به واسطه روانی الفاظ، روشنی معنی و لطافت ترکیب بین عامه مشهور شده و آن را بدون تغییر یا با تغییر جزئی در محاورات خود به کار برند». (بهمنیار، ۱۳۷۹، ۱۰)

پیش روان علم ادب در تعریف مثل هر یک بنا بر ذوق خود تعبیراتی داشته‌اند اما وجه مشترک این تعاریف خود شباهت و همانندی در امثال است هر چند که جامع همه ویژگی‌های ذکر شده نباشد.

### ۱-۳- ضرب المثل

«این نوع کلام از لطایف علم بدیع شمرده می شود و آن چنان است که گوینده در کلام و یا شاعر در بیت خود سخنی گوید که طبایع آن را قبول کنند و در زبانها افتد و بدان تمثل نمایند». (برقی، ۱۳۵۱، ۵)

این جمله های کوتاه پند و اندرزهای گوناگونی با خود دارند و خود منشأ تحولی در ادبیات و علوم اخلاقی ملت ها شده اند. علاوه بر متون نظم و نثر ادب فارسی، ضرب المثل های فراوانی در قرآن کریم و احادیث نبوی بیان شده که بسیار پیشتر از ادبیات ملت ها راه گشای زندگی مردم بوده است. «و تِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ: و این امثال را برای مردم بیان می کنیم باشد که اهل عقل و فکرت شوند» (قرآن کریم، حشر/۲۱)

### ۱-۴- تمثیل

«تمثیل عبارت است از ارائه دادن یک موضوع تحت صورت ظاهر موضوع دیگر. این اصطلاح به عنوان یک طرز و شیوه ادبی عبارت از بیان یک عقیده یا یک موضوع نه از طریق

بیان مستقیم بلکه در لباس و هیأت یک حکایت ساختگی که با موضوع و فکر اصلی از طریق قیاس قابل مقایسه و تطبیق باشد». (پورنامداریان، ۱۳۸۳، ۱۱۶)

گاه در تمثیل شخصیت‌ها، شخصیت‌های اساطیری و حیوانات و اشیای شخصیت یافته یا انسان‌ها هستند اما آن چه این نوع تمثیل را از انواع دیگر آن - فابل و پارابل - متمایز می‌کند آن است که در تمثیل، درس اخلاقی یا تعلیمی به طور مستقیم در کلام ذکر نمی‌شود و برای در یافتن مقصود گوینده باید به تفسیر تمثیل پرداخت. (همان، ۱۱۷)

علامه دهخدا در این باره معتقد است هرگاه در تشبیه علاقه‌ی شباهت میان دو جمله باشد آن را تمثیل گویند و چون تشبیه شایع بود آن را مثل خوانند. (عفی‌فی، ۱۳۸۰، ۱۴)

برخی از نویسندگان و محققان حوزه‌ی امثال، تمثیل را یکی از صنایع بدیع برشمرده‌اند و آن زمانی است که سخنگو، سخنی حکیمانه و سودمند به نظم یا نثر بگوید که قابل برای مثل شدن باشد مانند این بیت سعدی:

به اخلاق با هر که بینی بساز      اگر زیر دست است اگر سرفراز

بنابراین سخنی که مشتمل بر صفت تمثیل است هر گاه بین عامه‌ی مردم و طبقاتی که اکثریت را تشکیل می‌دهند شایع و رایج شود جزء امثال سائره محسوب می‌شود مانند این عبارت گلستان، دروغ مصلحت‌آمیز به از راست فتنه‌انگیز است. (بهمنیار، ۱۳۷۹، ک و کا)

در زبان عرب از هر دو نوع حکایات و تمثیلات به «مثل» تعبیر می‌کنند و میان آن دو فرقی ننهاده‌اند. (حکمت، ۱۳۳۳، ۹۳)

## ۱-۵- ارسال المثل

رادویانی در کتاب ترجمان البلاغه که خود از نخستین کتاب‌های علم بدیع پارسی است به تعریف ارسال المثل پرداخته است. پس از او رشید و طواط در حدائق السحر، شرف‌الدین رامی در حقایق الحدایق و رضا قلی خان هدایت در مدارج البلاغه تعاریف مشابهی از «ارسال المثل» ارائه داده‌اند و آن آوردن یک مثل در بیت است. (عفی‌فی، ۱۳۸۰، ۱۲)

بنابراین می توان چنین گفت که ارسال المثل از جمله صنایع مشهوری است که هرگاه شاعر در بیت و نویسنده در طی عبارت، مثل و حکمت یا مثلی سایر از امثال، یا جمله ای در حکم امثال بیاوردو یا مصراعی که خود مصراع یا مضمون آن مشهور باشد ارسال المثل به کاربرده است. چنان که صالح طوسی گوید:

هر چه داری شب نوروز به می ساز گرو غم روزی چه خوری روز نو و روزی نو  
در این بیت مثل معروف «روز از نو روزی از نو» گنجانیده شده است. (همان، ۱۳)

### ۱-۶- ارسال المثلین

«ارسال المثلین از صنایع بدیع و عبارت از این است که دو مثل را در سخن بگنجانند مانند این بیت:

ندانست یک جا بود دام و دانه به پای خود آمد به سلاخ خانه  
که متضمن دو مثل است: هر کجا دانه هست، دامی هست. به پای خود به سلاخ خانه  
رفت». (بهمنیار، ۱۳۷۹، کا)

### ۱-۷- کنایه

«کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است و در علم بیان عبارت است از ایراد لفظ و اراده‌ی معنی غیرحقیقی آن، به صورتی که بتوان معنی حقیقتی آن را نیز اراده کرد». (علوی مقدم و اشرف زاده، ۱۳۸۱، ۱۳۳)

استاد بهمنیار کنایه را لفظی می داند که لازم و معنای آن را اراده نمایند در حالی که اراده کردن اصل معنا نیز ممکن باشد چنان چه می گویند: «دیوار مطبخ فلانی سفید است» مرادشان بخل و لئامت اوست، زیرا لازمه ی سفیدی دیوار مطبخ، ندیدن دود و آتش است و



لازمه روشن نشدن آتش طبخ نمودن غذا و امساک در خرج کردن است. (بهمنیار، ۱۳۷۹، یط) در این میان این نکته شایان ذکر است که گاه کنایه با مثل اشتباه می شود و برخی، ظرافت های این دو را تمییز نمی دهند. کنایات جمله های مستقل نیستند بلکه الفاظ مفرد یا مرکب اند که به جمله های ما وارد می گردد و آن گاه که این جمله ها در میان افراد مشهور شود آن ها را جزء امثال می دانند.

نمونه کنایه به عنوان یک لفظ و کنایه به عنوان مثلی سایر به ترتیب چنین است: «خونگرم بودن، این سر خر را که راه داده به بستان». (همان، ک)

### ۸-۱ - حکمت

«حکمت در لغت به معنی دانایی، دانش، فرزاندگی، دلیل و سبب، پند و اندرز و ... است و در اصطلاح عبارتی فصیح و قصیر باشد که حاوی قاعده ی طبیعی، عقلی یا وضعی است». (عفیفی، ۱۳۸۰، ۱۱)

گاه مثل و حکمت با هم ترکیب می شود مانند: «آواز سگان کم نکند رزق گذارا» منع مخالف را به آواز سگان و نفع خویش را به رزق گدا تشبیه کرده، از آن یک قاعده عقلی و حکمی خواسته که منع ناچیز و بی ارزشی اثر در رسیدن به مقصود ندارد.

### ۹-۱ - تقسیمات مثل

هر یک از نویسندگان و محققان تقسیم بندی خاصی درباره ی مثل ارائه کرده اند، از این میان نظر چند تن از برجستگان این عرصه بیان می شود.

علامه دهخدا خود، مثل را تقسیم نموده اند بلکه نظم و نثر را به دو قسم مثل و حکمت قسمت کرده اند. (عفیفی، ۱۳۸۰، یازده) استاد بهمنیار برخلاف علامه، پایه را مثل قرار داده آن را به منثور و منظوم، تمثیلی و حکمی تقسیم می نمایند. (بهمنیار، ۱۳۷۹، ۲۴) یحیی برقی نیز

در کتاب کاوشی در امثال و حکم فارسی، امثال و حکم را به سه دسته ی امثال، ضرب المثل و تمثیلات تقسیم نموده اند. (برقی، ۱۳۵۱، ۴)

تعریف مثل، ضرب المثل و تمثیل پیش از این ذکر شد؛ اما در تعریف تقسیمات مثل از نظر استاد بهمنیار باید گفت: مثل منثور آن است که با وزنی از اوزان شعری مطابقت ننماید و مثل منظوم غالباً یک مصراع و گاهی یک بیت تمام از شعر است، که متضمن صنعت تمثیل یا ارسال المثل باشد مانند: «خدا کشتی آن جا که خواهد برد»

مثل تمثیلی آن است که مبتنی بر واقعه ی تاریخی، حکایتی واقعی یا افسانه ای باشد مانند: «به روباه گفتند کو شاهدت؟ گفت: دُمم» فهمیدن معنی مورد استعمال مثل های تمثیلی موقوف بر دانستن اصل و منشأ بلکه شناختن نخستین گوینده هر مثل است. اما مثل حکمی عبارت است از جمله ی حکیمانه سودمندی که مقبول عام و مشهور گردیده. اصل و منشأ آن و نام اول گوینده ی این قسم امثال غالباً مجهول است و اگر هم معلوم باشد دانستنش شرط نیست:

نیش عقرب نه از ره کین است      اقتضای طبیعتش این است

(بهمنیار، ۱۱، ۱۳۷۹)

## ۱-۱۰-۱- داستان امثال

داستان های امثال در واقع حکایاتی را شامل می شود که زمینه ی ظهور مثل را برای ما روشن می سازد؛ حکایاتی که با قطع و یقین از رخ دادن آنان نمی توان سخن گفت، همان گونه که از اصل و سازنده ی مثل ها نمی توان با اطمینان حرف زد. داستان های امثال پا به پای مثل ها پیش آمدند در طی سال ها هر کس چیزی بدان افزوده یا از آن کاسته است و همین امر موجب صیقل خوردن داستان ها و در نتیجه تأثیرگذاری بیشتر آن شده است.

همچنان که مثل ها انعکاس زندگی مادی و معنوی سازندگان آن هاست، داستان های امثال نیز چنین است. گاه در قالب داستان ساده ی یک مثل، افکار بلندی نهفته است که با آثار بهترین نویسندگان و شاعران به لحاظ انتقال پیام های ارزشی، اخلاقی و اجتماعی برابری می کند. این

داستان‌ها نه تنها آینه‌ی زندگی امروز بلکه انعکاس فرهنگ و اندیشه‌های گذشتگان نیز می‌باشند. فرهنگی که اگر پسندیده بود از آن تأسی می‌کنیم و اگر نه آن را از مدار زندگی خویش دور می‌سازیم.

افسانه‌ها در طول هزاران سال باعث حفظ و استحکام بنیان خانواده بوده و نقش بسزایی در تعلیم و تربیت فرزندان داشته است، بنابراین حفظ بخشی از فرهنگ غنی ایرانی در گرو حفظ افسانه‌ها و ریشه‌ی مثل است. سعدی می‌فرماید: «نیک بختان به حکایت و امثال پیشینیان پند گیرند، از آن پیش که پسینیان به واقعه‌ی ایشان مثل زنند» (یوسفی، ۱۳۸۱، ۱۸۷).

برای برخی از امثال روایت‌های چندگانه از یک داستان آمده است، تفاوت میان روایات ما را با تفاوت‌های فرهنگی آشنا می‌سازد و از شباهت میان آنان به نقاط اتفاق می‌رسیم.

## ۱۱-۱- نگاهی بر تحقیقات گذشته

### ۱-۱۱-۱- کهن‌ترین مجموعه مثل فارسی بعد از اسلام

امثال و حکم در ادبیات فارسی جایگاه ویژه‌ای دارد و کاربرد آن از زمان‌های کهن رواج داشته است. کاربرد امثال توسط نسل‌های بعد نیازمند داشتن مجموعه‌های مدون از آنهاست تا ضمن حفظ و نگاهداری امثال، فرهنگ عامه مردم را مکتوب و مستند محافظت نماید.

اندرز نامه‌ها نیز حاوی امثال و حکم بسیار است. اندرز نامه‌هایی که امروزه در دسترس ماست دو دسته‌اند: دسته‌ای به زبان پهلوی است و نسخه‌های موجود آن در موزه هاست و غالباً در کشور هند توسط زردشتیان ایرانی الاصل نگهداری می‌شود. شمار این متون دوازده عدد و از این قرار است: آذر باد مهر اسپندان، پند نامه بزرگمهر بختگان، پندنامه زردشت، اندرز نامه اوشنر دانا، اندرز‌هایی به مزدیسنان، اندرز دستوران بر بهدینان، پدری پسر خود را تعلیم می‌دهد، اندرز دانا مرد، اندرز خسرو قبادان، اندرز پیشینیان، اندرز فرخ پیروز، مینوی خرد

دسته‌ی دوم اندرزنامه‌ها به زبان فارسی و عربی است که در فرهنگ و تمدن اسلامی شکل گرفته است. آقای محمد تقی دانش پژوه فهرستی ناتمام از هشتاد و دو اثر متعلق به آثار تألیفی

و تاریخ حکمای قدیم و مجموعه های گفته های ایشان تهیه کرده، که از این میان نوزده اثر به فارسی و بقیه به عربی است. (جابری، ۱۳۸۱، ۳۱)

اندرز نامه ها در گذر زمان مورد توجه محققان و نویسندگان قرار گرفته است. به گونه ای که اندرزنامه ی بزرگمهر چندین بار در قالب نظم و نثر به فارسی ترجمه شده است. فردوسی در شاهنامه سخنان بزرگمهر را به نظم کشیده است.

مطالعه و دقت در مضامین اندرزهای سعدی و مقایسه آن ها با حکما و شاعران پیش از او آشکار می سازد که در آثار سعدی نیز مضامین مشابه به پیشینیان بسیار است و هر چند که در مقدمه ی گلستان آورده است که از کسی عاریت نپذیرفته است اما این سخن درباره ی لفظ سخن او صحیح است. در حقیقت سعدی آن چه را از متقدمان گرفته، جلوه و جلایی دیگر بخشیده است. در کارنامه اردشیر بابکان آمده است: «به یاد آر آن چه دانایان گفته اند که به دشمن آن نکند که بی خرد با خویشان کند، به کردار خویش» (هاشمی نژاد، ۱۳۶۹، ۳۶) پس سعدی می گوید:

دشمن به دشمن آن نپسندد که بی خرد با نفس خود کند به مراد هوای خویش  
(کلیات سعدی، ۱۰۱۴، ۱۳۷۴).

در مورد کهن ترین مجموعه های مثل بعد از اسلام در فارسی و عربی نظریات گوناگونی وجود دارد: نصراله پور جوادی نویسنده ی مقاله «قدیمی ترین گنجینه امثال و حکم فارسی» بر این باور است کتاب تاریخ الوزرای نجم الدین قمی که در قرن ششم و در شرح حال وزرای سلجوقی نگاشته شده، به دلیل احتوای آن بر امثال و حکمی که نویسنده به منظور حفظ و ثبت و ضبط مثل ها، آن ها را به عمد در کلام آورده، می تواند در ردیف کهن ترین مجموعه امثال قرار گیرد؛ پورجوادی کار نجم الدین قمی را محض جمع آوری مثل های فارسی و ترتیب آنها بر حسب موضوع یا حروف الفبا نمی داند، بلکه می گوید: خواسته ی او تدوین کتابی ادبی و خواندنی مزین به امثال بوده است لذا در هر صفحه مثل را به مناسبت مقام و موقعیت آورده است. (پورجوادی، ۱۳۶۶، ۳۷ و ۳۸).

سعید رضا بیات در مقاله ی خود، نظر و دیدگاهی متفاوت دارد. او معتقد است کتابهایی که شکل فرهنگ نامه نداشته باشند علی رغم وجود امثال در آنها نمی تواند جزء منابع کهن محسوب شود و به طور نمونه به کتاب هایی نظیر تاریخ بیهقی، تاریخ الوزرا، ترجمان البلاغه